

Revolution Studies

Volume 02, No.03, Summer & Spring 2024 (Serial 3)

Investigation of the Revolutionary Management of Imam Khomeini in the Crisis of Taking over the American Embassy

Mohammad Rahimian¹

DOI :10.22034/fademo.2024.459142.1043

Abstract

This paper aims to investigate the revolutionary management of Imam Khomeini in the crisis of taking over the American embassy. According to the findings, the causes of the crisis include the use of the embassy for espionage purposes, the intensification of America's hostile actions against the Islamic Revolution, the embassy's attempt to attract elites and statesmen, America's sheltering of the Shah, and the moderate policies of the merchant government. In the process stage, the emergence and spread of the crisis was investigated. In the consequences of the crisis, the political outcomes include referring to the United Nations, the resignation of the interim government, the Nojeh coup, the Iraq war against Iran, and the severance of Iran-US relations. The cultural consequences include the creation of a culture of independence from foreign powers and the strength of revolutionary forces, humiliation of America, strengthening convergence, national unity and the spirit of self-belief, and strengthening the liberation movements. In terms of economic consequences, creating economic sanctions against Iran and blocking Iranian assets were investigated. Crisis management includes the Imam's position and creating a wave of confidence and the resignation of the interim government. Finally, lessons learned from the crisis include Imam Khomeini's not relying on other powers to fight against the foreign enemy, the principle of placing the interests of the system in making decisions, and placing the Islamic Council as the center for determining the final task.

Keywords: Imam Khomeini, American embassy, emergence of crisis, crisis management, experience learning from crisis

1. PhD in Political Sociology, Shahed University, Tehran, Iran. mrahimian1370@yahoo.com

Received: 2024/ 05/ 18

Approved: 2023/ 07/ 16

بررسی مدیریت انقلابی امام خمینی (ره) در بحران تسخیر سفارت آمریکا

محمد رحیمیان^۱

Doi:10.22034/FADEMO.2024.459142.1043

چکیده: هدف اصلی این پژوهش، بررسی مدیریت انقلابی امام خمینی در بحران تسخیر سفارت آمریکا است. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام سفارت آمریکا را در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر کردند. در این راستا سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که نحوه مدیریت انقلابی امام در بحران تسخیر سفارت آمریکا چگونه بود. برای پاسخ به سؤال پژوهش از روش تحلیل اسنادی و از مدارک موجود در کتابخانه‌ها استفاده شده است. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، علل بحران شامل استفاده از سفارتخانه برای مقاصد جاسوسی، تشدید اقدامات خصمانه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، تلاش سفارت برای جذب نخبگان و دولتمردان، پناه دادن آمریکا به شاه و سیاست‌های میانه‌رو دولت بازرگان بود. در قسمت فرایند، پیدایش و گسترش بحران بررسی شد. در پیامدهای بحران، پیامدهای سیاسی شامل مراجعه به سازمان ملل متحد، استعفای دولت موقت، کودتای نوژه، جنگ عراق علیه ایران و قطع روابط ایران و آمریکا مطالعه شد. پیامدهای فرهنگی شامل ایجاد فرهنگ استقلال از قدرت‌های خارجی و استحکام نیروهای انقلابی، تحقیر آمریکا، تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری و تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش بیان شده است. در پیامدهای اقتصادی، ایجاد تزییقات اقتصادی علیه ایران و بلوکه کردن اموال ایران بررسی می‌شود. مدیریت بحران شامل موضع‌گیری امام و ایجاد موج اطمینان و استعفای دولت موقت است. در نهایت تجربه‌اندوزی از بحران شامل تکیه نکردن امام به سایر قدرت‌ها برای مبارزه با دشمن خارجی، اصل قرار دادن مصالح نظام برای اتخاذ تصمیم و محور قرار دادن مجلس شورای اسلامی برای تعیین تکلیف نهایی را می‌توان نام برد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، پیدایش بحران، تجربه‌اندوزی از بحران، سفارت آمریکا، مدیریت بحران.

۱. دکترای علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

mhrahimian1370@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۱۹۸-۱۷۵

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه و بیان مسئله

پس از جنگ جهانی دوم، سلطه و نفوذ همه‌جانبه آمریکایی‌ها در ایران افزایش یافت و پس از کودتای ۲۸ مرداد به مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در سیاست داخلی و خارجی، فرهنگ و اقتصاد ایران تبدیل شد. کاپیتولاسیون را می‌توان اوج تحقیر ملی ایرانیان قلمداد کرد که با حمایت همه‌جانبه از حکومت خودکامه پهلوی تا سال‌های پایانی آن ادامه داشت. تبعید امام از ایران در سال ۱۳۴۳ در پی ایراد سخنرانی شدیداللحن در اعتراض به کاپیتولاسیون و حق قضاوت کنسولی آمریکایی‌ها در ایران بود. همچنین روز ۱۳ آبان، یادآور نهضت امام خمینی است که تأثیر سرنوشت‌سازی بر ایران داشت. ۱۳ آبان ۱۳۴۲، روز تبعید امام، پس از اعلام مخالفت وی با قانون کاپیتولاسیون بود. ۱۳ آبان ۱۳۵۷، روز شهادت تعداد کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان، در مقابل دانشگاه تهران، در زمان همه‌گیری نهضت اسلامی ایران بود و در نهایت ۱۳ آبان ۱۳۵۸ روز تسخیر سفارت آمریکا به وسیله دانشجویان پیرو خط امام بود. این مسئله آن‌چنان مهم بود که امام تسخیر سفارت آمریکا را انقلاب دوم نامید. در این اثنا، وقایع اخیر ناظر به ابعاد، پیامدها و همچنین گستره ملی و بین‌المللی آن از ارزش و اهمیت خاصی در تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار است به گونه‌ای که با گذشت بیش از چند دهه، آثار و پیامدهایش و درصحنه سیاست داخلی و خارجی کشور، اثرگذار و قابل تأمل است.

افرادی که طرح اشغال سفارت آمریکا را اجرا کردند، تصور می‌کردند ادامه فعالیت سفارت آمریکا در ایران و ادامه روابط ایران و آمریکا، سرانجام راهی برای تجدید نفوذ آمریکا در ایران خواهد گشود و تکیه‌گاهی برای مخالفان نظام جمهوری اسلامی فراهم خواهد آورد. عناصر انقلابی، از تمایل بازرگان و عناصر معتدل برای نزدیکی به آمریکا و تجدید روابط دوستانه با این کشور بسیار نگران بودند و نیز از آن بیم داشتند که طرفداران رژیم شاه از طریق سفارت آمریکا تأیید شوند. یکی از هدف‌های اصلی گروگان‌گیری این بود که با وارد کردن یک ضربه غیرقابل ترمیم به روابط ایران و آمریکا، از ادامه این قبیل تماس‌ها جلوگیری شود (مهدی‌نیا، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۱).

تسخیر سفارت آمریکا واکنش در قبال سیاست‌هایی بود که دولت آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد علیه کشور ایران آغاز کرد و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و حتی بعد از آن و زمان تسخیر سفارت آن‌ها را ادامه داده بود. تسخیر سفارت آمریکا پاسخ به تهدیدات خارجی نسبت به انقلاب بزرگ اسلامی و دستاوردهای آن بود. با توجه به مطالب گفته شده تسخیر سفارت آمریکا و حمایت همه‌جانبه امام و مردم دارای علل و زمینه‌هایی است. این حادثه دارای دو فرایند

پیدایش و گسترش است. همچنین پیامدهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این حادثه و سپس مدیریت بحران و در بخش پایانی تجربه‌اندوزی از بحران گفته می‌شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که مدیریت انقلابی امام در بحران تسخیر سفارت آمریکا چگونه بود.

۱. پیشینه تحقیق

دهقانی فیروزآبادی و فاضلی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی یادمان تسخیر سفارت در سیاست خاطره ایران در برابر آمریکا» اشاره می‌کنند از عناصر و مؤلفه‌های مشخص‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آمریکا، خطرات تروماتیک از این کشور و به خصوص فراخاطره ۲۸ مرداد بوده است. پیوند خطرات با سیاست خاطره تهاجمی و خصمانه آمریکا و عدم پیگیری عدالت انتقالی از سوی دولت آمریکا و نیز خلق خطرات نه‌چندان مثبت، سبب ادامه‌دار بودن وضعیت پساتروماتیک در روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا شد. علاوه‌براین اراده و آرمان دولت انقلابی و اسلامی مبتنی بر اصل بنیادین استکبارستیزی و مبارزه با استکبار است. به همین خاطر استفاده از خطرات ناگوار از کنش تاریخی آمریکا، مبارزه خاطراتی به یکی از ابعاد مهم رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آمریکا تبدیل شده است. ایران پس از انقلاب اسلامی از وضعیت انفعالی قربانی قبلی خارج شد و با یورش به دردآورترین مکان خاطره ایرانیان یعنی سفارت آمریکا، خاطره خاص و مهمی را در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ایجاد کرد. رویکرد خاطراتی ایران در این باره عبارت است از سیاست یادآوری خاطره ۱۳ آبان به وسیله رویه‌های خاطراتی با محتوای روایی عزت، نفرت، پیروزی هم‌زمان و بازتولید مستمر آن به منظور موجه سازی، انگیزه‌بخشی و مشروعیت‌یابی.

۱۷۷

طاهری شمیرانی (۱۳۸۹) در مقاله «سازمان ملل و تسخیر سفارت آمریکا» توضیح داد تسخیر سفارت آمریکا پاسخی در مقابل سیاست‌های دولت آمریکا علیه ایران بود که این سیاست‌ها تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی و حتی پس از آن و زمان اشغال سفارت ادامه داشت. در واقع تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا واکنشی به تهدیدهای خارجی انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بود که با توجه به تجربیات گذشته تبدیل به نگرانی بزرگی برای بخش قابل توجهی از دانشجویان و آحاد مردم شده بود. نوع واکنش مردم ایران بعد از تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا و اجماع عمومی در تأیید آن حرکت نشان داد که سیاست‌های دولت آمریکا تا چه حد در افکار عمومی آثار منفی داشته و آن سیاست، حمایت و دخالت به نفرت عمومی منجر شده است. در پژوهش مذکور اقدامات دبیر کل وقت سازمان ملل، تشکیل کمیسیون تحقیق،

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت در ارتباط با موضوع گروگان‌ها در سفارت آمریکا و نیز طرح مسئله در دیوان بین‌المللی دادگستری و بالاخره بیانیه الجزایر مورد مطالعه قرار گرفت. شاه‌علی (۱۳۹۱) در مقاله «تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان‌های سیاسی داخل کشور» نشان داد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تسخیر سفارت آمریکا در تهران سبب پایان استیلای استعمار بر امور کشور شد. این رویداد به سبب اهمیت و بازتاب‌های فراوان داخلی و خارجی، فعالان سیاسی و احزاب و گروه‌های مختلف را در سراسر کشور مجبور به موضع‌گیری شفاف کرد. واقعه تسخیر سفارت آمریکا سبب اعلام مواضع واقعی و نگرش کلان افراد و گروه‌های منسوب به نظام جمهوری اسلامی و پالایش نظام سیاسی کشور شد. پیامد منطقی این روند، حذف تفکرات راست و چپ غیر اسلامی و التقاطی، جوان‌گرایی و کنترل تدریجی پست‌ها و مناصب حساس سیاسی به وسیله نیروهای اصیل انقلابی، خودباوری، افزایش اعتماد به نفس و در نهایت تقویت همگرایی و وحدت ملی در جامعه ایران است. به عبارت دیگر، نیروهای انقلابی پیرو خط امام با تسخیر سفارت آمریکا سبب تصحیح راه جمهوری اسلامی شدند و از انحراف آن جلوگیری کردند.

حسین‌زاده (۱۳۸۷) در بررسی «الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی؛ بررسی موردی: تسخیر لانه جاسوسی» استدلال کرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل جدیدی از حکمرانی و حکومت‌داری سیاسی با تمرکز بر دین و نقش فراگیر مردم شکل گرفت. در این بین نقش امام به‌عنوان رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که مدیریت کلان سیاسی کشور را نیز عهده‌دار بودند نقش ممتاز، برجسته و بی‌نظیری است. بحران تسخیر لانه جاسوسی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بحران‌های بعد از انقلاب اسلامی، عناصر اصلی الگوی مدیریت بحران امام شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تصمیم‌گیری، هدایت و رهبری و کنترل و نظارت را در سه مرحله قبل از بحران، حین بحران و بعد از بحران بررسی می‌کند.

تفاوت مقاله حاضر با مطالعات قبلی از آن جهت است که مقاله حاضر با بهره‌گیری از مبانی نظری مدیریت بحران، نحوه مدیریت انقلابی امام را بررسی می‌کند؛ ولی در سایر مقالات، این مسئله مطالعه نشده است. همچنین در بعضی از مقالات به صورت موردی پیامدهای سیاسی یا اقتصادی و فرهنگی پس از تسخیر سفارت آمریکا تدوین شده است؛ ولی مقاله حاضر علاوه بر بررسی یکجا و توأمان پیامدهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تسخیر سفارت آمریکا در یک پژوهش، نحوه مدیریت انقلاب امام را نیز در این بحران بررسی می‌کند.

۲. مبانی نظری و روش

بحران، حادثه‌ای است که به‌طور ناگهانی یا فزاینده روی می‌دهد و تهدید زندگی بشر، تلفات و خسارات بسیاری به جامعه انسانی تحمیل می‌کند؛ به‌طوری که مقابله با آن نیازمند بسیج امکانات و انجام دادن اقدامات اساسی و فوق‌العاده نسبت به حالت عادی است (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۶۴). یک بیانیه تهدیدآمیز شفاهی یا کتبی، یک عمل سیاسی همچون قطع روابط دیپلماتیک، یک عمل اقتصادی مثل تحریم اقتصادی، یک عمل نظامی غیر خشونت‌آمیز مانند نقل و انتقال نیروها، عمل خشونت‌آمیز غیر مستقیم علیه یک دولت یا یک حمله نظامی مستقیم، نمونه‌هایی از اعمال و رویدادهایی هستند که از آن‌ها به‌عنوان جرقه بحران تعبیر می‌شود. مفهوم بحران، با معانی گوناگونی چون پریشانی، وحشت، فاجعه، مصیبت، خشونت بالقوه یا بالفعل یا به‌عنوان نقطه عطفی در تحلیل‌های تصمیم‌گیری به کار گرفته شده است (برچر، ۱۳۸۲، ص. ۲۴).

تئوری فرایند بحران در این تحقیق مبنی بر دو مرحله پیدایش و گسترش است. پیدایش ناظر به مرحله اولیه یک بحران است. در این مرحله تهدید معطوف به ارزش ادراک شده است که تصمیم‌گیرندگان یک دولت به‌سوی ادراک تهدید اندک یا بالاتر سوق پیدا می‌کند که در واقع تهدید فزاینده از سوی یک دشمن است و همراه با آن فشار روانی اندکی به وجود می‌آید. مرحله پیدایش ناظر بر هیچ‌گونه کنش متقابل خصومت‌آمیزی نیست. در واقع این مرحله با یک دگرگونی در شدت شکنندگی روابط میان دو یا چند دولت و با ادراک تهدید حداقل یکی از آن‌ها مشخص می‌شود. پیدایش یک بحران مستلزم حداقل دو طرف است که یکی یا هر دو آن‌ها تحدید بیش‌ازحد معمول به ارزش را درک کرده و با روشنی به این تهدید پاسخ دهند که به‌طور کیفی شکنندگی بیشتری را ایجاد می‌کند (نصیری حامد، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۲).

۱۷۹

بحران‌ها با توجه به منشأ آن‌ها، موجب پیامدهای متفاوتی می‌شوند. بحران‌های خارجی سبب نوعی وفاق ملی شده؛ از این‌رو سبب کاهش تهدیدات داخلی و آسیب‌پذیری اجتماعی می‌شود، در حالی که بحران‌های داخلی، مشروعیت نظام سیاسی را خدشه‌دار می‌سازند. رابرت گر نیز معتقد است که تعداد بحران‌ها باعث نوعی بی‌ثباتی سیاسی در جامعه تلقی شده ضمن آنکه وقوع بحران‌ها حتی به‌صورت محدود، قدرت انحصاری دولت را به چالش کشیده و با اختلال در فرایند عادی جامعه پیامدهای امنیتی مهمی نیز ایجاد می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۷۲). مدیریت بحران، علمی است که با مشاهده سامانمند بحران‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری است که بتوان از بروز بحران‌ها پیشگیری کرد یا در صورت بروز آن‌ها، آمادگی لازم را برای کاهش آن‌ها داشت (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۳۸).

فوستر مدیریت بحران را مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و کلیه سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات، جلوگیری از وقفه زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط‌زیست و بالاخره ترمیم و بازسازی خرابی‌ها می‌داند (سعیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۲).

درباره گام‌های مؤثر در مدیریت بحران می‌توان گفت گام اول در مدیریت بحران احساس بحران است. در احساس بحران، نشانه‌های اولیه خطر یک بحران احتمالی یافته می‌شود. در حقیقت این مرحله تحت نظر گرفتن محیط‌های داخلی و خارجی است. تجزیه و تحلیل ضعف‌ها و قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها به بررسی دقیق محیط عمومی و تشخیص روندهای هشداردهنده‌ای که ممکن است مورد تهدید قرار گیرند، کمک خواهد کرد.

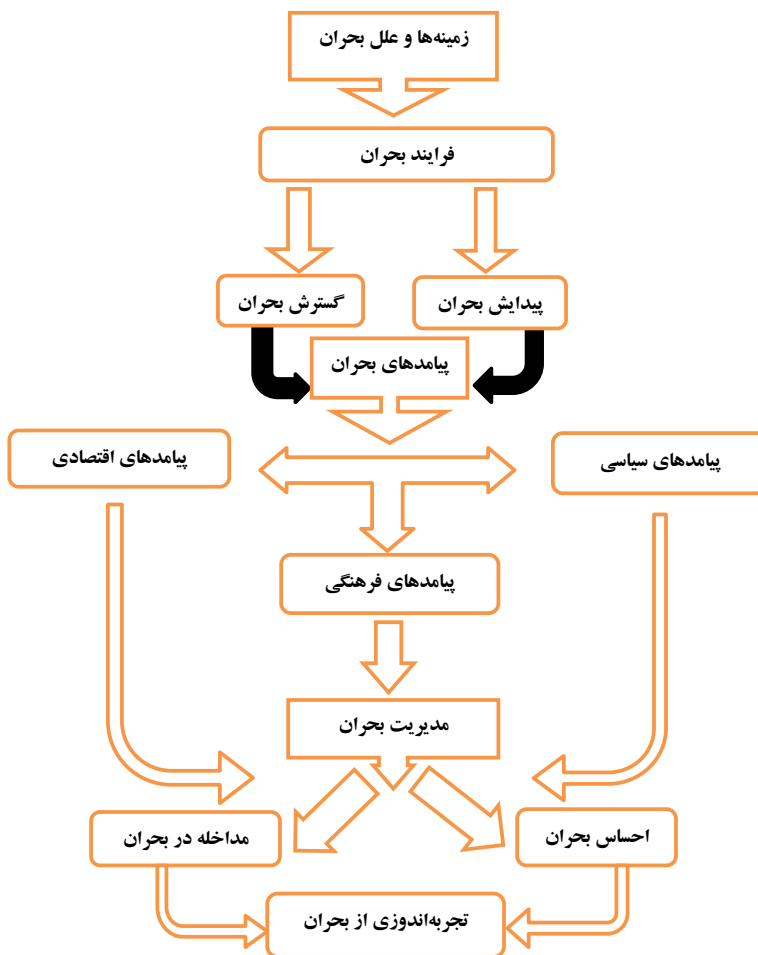
اگر مدیران هشیار باشند، می‌توانند نشانه‌هایی را شناسایی کنند که خبر از بحران می‌دهند. اگرچه پیش‌بینی یک بحران، علم دقیقی نیست، باید به عنوان یک بخش اساسی از برنامه‌ریزی بحران مدنظر قرار گیرد. احساس در پیش‌بینی دقیق‌تر بحران نقش مهمی را ایفا می‌کند، از این نظر که لازم است مدیران و برنامه‌ریزان، چشم و گوش خود را به خوبی باز نگه دارند و از این رو احتمال احساس نشانه‌های اولیه بحران را افزایش دهند؛ به علاوه در انجام امور از اطلاعات گران‌بها بیشتر بهره‌مند شوند. کار شبکه‌ای نیز می‌تواند تماس‌های بیرونی یک مدیر، بحران را گسترش دهد و احتمال بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از منابع حیاتی اطلاعات مرتبط با بحران را که ممکن است مورد توجه قرار نگیرد افزایش می‌دهد.

گام دوم در مدیریت بحران، مداخله و اقدام است. احساس و درک علائم بحران در شرایطی که نشانه‌های اولیه به قدری روشن است که قابل چشم‌پوشی نیست، ممکن است مدیران را ناچار به مداخله کند. بررسی مجدد این نشانه‌ها، مشاوره با کارشناسان و ارزیابی همه عوامل مرتبط با ریسک، برای اطمینان از اینکه این نشانه‌ها نمی‌توانند به بحران منجر شوند، برای مدیران حائز اهمیت است. توان ادراک و تحلیل مدیران در دستیابی آن‌ها به نتیجه نهایی از اهمیت زیادی برخوردار است. هرگاه مدیران اطمینان یافتند که مداخله روش مناسبی است، باید استراتژی مداخله موردنظرشان را به سرعت و به موقع اجرا کنند.

بهترین استراتژی آن است که مانع رشد یک بحران بالقوه شود و آن را به طور ریشه‌ای مهار کند. اگر بحران‌ها مهار نشوند، در مراحل اولیه شکل‌گیری، رو به توسعه می‌روند و به قدری افزایش می‌یابند که غیرقابل کنترل و مرگ‌آور می‌شوند. مداخله، مسلماً مرحله‌ای دشوار در مدیریت است. اگرچه مداخله گامی ضروری است، چنانچه مدیران بخواهند سازمان‌هایشان را

سریعاً از دام یک بحران در حال گسترش در امان بدارند، اساساً به منابع بیشتری برای غالب شدن بر آن نیاز خواهد داشت. در خصوص تجربه‌اندوزی از بحران می‌توان گفت بروز بحران‌ها، تأثیراتی در کاهش تأثیرات مخرب و زیان‌بار بحران‌های بعدی دارد. از جمله اقدامات پیشگیرانه، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری ملی، برنامه و قانون‌گذاری‌های ضد بحران در نظر گرفته می‌شود (رضایی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲). با توجه به مطالب گفته شده، شکل ۱ مطالب فوق را بهتر نشان می‌دهد.

شکل ۱. مدل بحران



(تاجیک، ۱۳۷۹)

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. زمینه‌ها و علل بحران تسخیر سفارت آمریکا

۳-۱-۱. تبدیل سفارت‌خانه به مرکز جاسوسی

ایالات متحده آمریکا به دنبال حمایت از رژیم پهلوی و جلوگیری از موفقیت انقلاب بود و با پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت آمریکا به‌عنوان پایگاهی برای طراحی و اجرای توطئه علیه انقلاب تبدیل شد تا بتواند آن قسمت از اقداماتش را که می‌توانست به شکل دیپلماتیک برای انحراف یا شکست نظام نوپای اسلامی انجام دهد، با مرکزیت سفارت اجرا کند. افسران سازمان سیا (CIA) با بهره‌گیری از شرایط نامساعد بعد از انقلاب و درهم‌ریختگی سعی داشتند با نفوذ در مناطق کلیدی و حساس، از تعمیق و گسترش هرچه بیشتر انقلاب اسلامی جلوگیری کنند. سفارت آمریکا با ایجاد شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی در تلاش بود تا با تضعیف نیروهای اصیل انقلاب، جایگاه و شخصیت امام، بحران‌آفرینی و همچنین ایجاد گسست و شکاف میان رهبری و نسل جوان، انقلابی‌ترین و فعال‌ترین نیروهای سیاسی را از رهبری دور کند تا بتواند با نفوذ بر آن‌ها و تأثیر بر ارتش، حرکت انقلابی مردم ایران را خدشه‌دار کند (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۳).

۳-۱-۲. تشدید اقدامات خصمانه آمریکا

پس از اعدام سران رژیم پهلوی در اولین روزهای انقلاب، دو نفر از اعضای سنای آمریکا به نام‌های هنری جکسون و جاکوب جاوتیس که از طرفداران ویژه رژیم پهلوی بودند، در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ قطعنامه‌ای در سنا تصویب کردند که ایران را به خاطر این اعدام‌ها تحریم کنند. به عقیده کارل کلمنت که از کارشناسان باسابقه وزارت خارجه آمریکا است، ایالات متحده اشتباهی راهبردی را درباره ایران انجام داده بود و آن، دل بستن به دولت موقت و عدم مذاکره و دیدار مستقیم با رهبر جمهوری اسلامی ایران بود؛ اقدامی که رقبای آمریکا، یعنی فرانسه و شوروی در آغازین روزهای پیروزی انقلاب انجام داده بودند.

بعد از تصویب این قطعنامه و بروز مسائل چالش‌برانگیز میان دو کشور، ایالت متحده در تلاش بود تا نماینده ویژه خود را به‌منظور جذب ایران و جلوگیری از نفوذ شوروی در این کشور، به ایران ارسال کند؛ اما امام خمینی در پاسخ به تصویب این قطعنامه از قبول نماینده مذکور که از دیپلمات‌های با تجربه وزارت خارجه ایالات متحده بود، امتناع کرد. همچنین دولت ایران از پذیرش والتر کاتلر به‌عنوان سفیر خودداری کرد؛ پس از این اتفاق، دولت ایالات متحده به بهانه حفظ امنیت منطقه و با این تصور که احتمال داده می‌شود نفت کشی در خلیج فارس روبرو شود، نیروی دریایی خود را در تنگه هرمز به حال آماده‌باش درآورد.

۳-۱-۳. تلاش سفارت‌خانه برای جذب دولت مردان

هدف سفارت آمریکا، انحراف افکار عمومی از خطرات آمریکا در ایران بود. به همین دلیل، مسئولان سفارت آمریکا در پی آن بودند تا با برقراری ارتباط با مسئولان دولت موقت، راه رسیدن به اهدافشان را تسهیل کنند. آمریکا می‌خواست با شناسایی مهدی بازرگان به‌عنوان نفر اول اجرایی کشور، این‌گونه نشان دهد که امام خود مایل است که دین و روحانیت از سیاست جدا شوند و آن‌ها ناگزیر از نزدیکی به دولت موقت شده‌اند و بدین ترتیب به آرامی برنامه حذف امام و جایگزینی ایشان را از طریق افرادی مانند شریعتمداری و بنی‌صدر اجرا کنند. به همین دلیل، وزارت خارجه آمریکا مأموریت اصلی سفارت خود را در ایران، تلاش برای هماهنگی فعالیت‌های نیروهای لیبرال و میانه‌روهای مذهبی و پیوند دادن آن‌ها با عناصر ملی‌گرا و سلطنت‌طلبان و طرفداران رژیم سابق علیه انقلابیون مذهبی قرار داده بود (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۴).

۳-۱-۴. پناه دادن به شاه مخلوع ایران

ایرانی‌ها پس از فرار محمدرضا شاه از ایران، خواستار بازگشت و محاکمه وی بودند. لینکن، کاردار سفارت آمریکا در تهران، نامه‌ای با طبقه‌بندی سری که برای وزارت امور خارجه آمریکا ارسال می‌کند، در خصوص چگونگی پذیرش محمدرضا پهلوی در آمریکا می‌نویسد:

ناظر به واکنش عمومی در خصوص مخالفت با شاه که ناشی از اقدامات افرادی است که بر افکار عمومی نفوذ دارند، من تردید دارم که مریض بودن شاه بتواند میزان عکس‌العمل عمومی را کاهش دهد. اگر ما وی را به خاطر ملاحظات انسان دوستانه بپذیریم، جایگاه قابل دفاع‌تری را به دست خواهیم آورد (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۵).

امام طی پیامی در اعتراض به پذیرش محمدرضا پهلوی از سوی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد: «بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص. ۴۱۲) به سبب آنکه در کودتای سال ۱۳۳۲ نیز آمریکا پس از فرار شاه، مجدداً وی را در به دست گرفتن قدرت یاری داده بود، به همین خاطر مردم ایران حق داشتند به مسئله حضور محمدرضا در آمریکا مشکوک باشند و آن را توطئه‌ای دیگر برای سقوط نظام جمهوری اسلامی بدانند (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۶).

۵-۱-۳. سیاست‌های دولت بازرگان

یک هفته پس از ورود شاه به ایالات متحده، بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، به همراه وزیر خارجه و وزیر دفاع به هنگام شرکت در جشن انقلاب الجزایر، سفری به الجزیره داشتند و در آنجا با برژینسکی، مشاور امنیت ملی ایالات متحده ملاقات کردند.

در شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران، هرگونه مذاکره با ایالات متحده مساوی با مفهوم سازش بود. در این راستا ملاقات با برژینسکی به معنی قبول اصل مذاکره با آمریکا و به رسمیت شناختن آن بود، این مسئله موجب خشم نیروهای انقلابی در ایران شد و دانشجویان مسلمان به این نتیجه رسیدند که با حمله به سفارت ایالات متحده به این تصمیم اعتراض و اعلام کنند که هرگونه مذاکره و سازش را با آمریکا، به خصوص تا زمانی که محمدرضا زیر چتر حمایتی آمریکایی‌هاست نمی‌پذیرند و ایالات متحده باید محمدرضا شاه را به همراه ۱۳ میلیارد دلار از دارایی ایران که در بانک‌های آمریکا و شعبات اروپایی آن سپرده شده و نیز میلیاردها دلار اموالی را که محمدرضا شاه به هنگام خروج از ایران بیرون برده، استرداد شود (باقی، ۱۳۷۶، ص. ۲۳).

۲-۳. فرایند بحران

۱-۲-۳. پیدایش بحران

در ظاهر، اشغال سفارت آمریکا را می‌توان نتیجه رقابت بین گروه و جریان‌های سیاسی موجود در آن برهه دانست. به نظر می‌رسید مبارزه با امپریالیسم، در تاریخ سیاسی معاصر ایران تقریباً به انحصار جریان چپ درآمده بود و این جریان، در بیشتر اقدامات ضد استکباری که شوروی از آن استثنا بود، نقش اول و پیشرو را داشتند. در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ مارکسیست‌ها برای چندین ساعت سفارت آمریکا را اشغال کردند. در اشکال دیگر هم به خصوص در عرصه فعالیت‌های دانشجویی، چپ‌ها گویا با شعار مبارزه با امپریالیسم، این جبهه را به انحصار خویش درآورده بودند (درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۷، ص. ۸۸). همچنین از دیگر گروه‌هایی که تلاش کردند فعالیت‌های انجام دهند سازمان مجاهدین خلق بود. یکی از روش‌های مجاهدین برای کنش‌ورزی و بازگشت به موقعیت پیشتازی در ذهن پیروان خود آن بود که دست به کنشی مشابه با دانشجویان خط امام بزنند. در این راستا یک روز پس از تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران، اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز در شهرهای تبریز و شیراز به کنسولگری آمریکا حمله و آنجاها را تصرف کردند و در آنجا ماندند تا از ارزش و اهمیت اقدام دانشجویان خط امام کاسته شود و در کانون توجه جهان قرار گیرند تا آن‌ها نیز شریک شوند.

سخترانی امام در روز دهم آبان که مصادف با عید سعید قربان بود، مبنای تسخیر سفارت آمریکا قرار گرفته بود. دانشجویان از سخنان امام به این نتیجه رسیدند که بهترین جایی را که می‌شود گرفت سفارت آمریکا است. پس مقدمات کار را آماده کرده و با تلاش فراوان توانستند لائۀ جاسوسی آمریکا را تسخیر کنند (الفت‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۳۲). در این راستا عده‌ای از دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها تصمیم گرفتند به سفارت آمریکا حمله کنند و به منظور حصول اطمینان از موافقت و تأیید امام، با موسوی خوئینی‌ها که نماینده امام در صداوسیما بود مشورت کردند.

۲-۲-۳. گسترش بحران

یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب گسترش بحران در خصوص این حادثه شد، اقدام نظامی آمریکا علیه ایران بود که در آسمان طیس ناکام ماند. در این عملیات که جهت آزادسازی گروگان‌های لائۀ جاسوسی از سوی نظامیان آمریکایی صورت گرفت، شش فروند هواپیمای C-۱۳۰ و ۹۰ نفر از کماندوهای موسوم به نیروهای دلتا، از قاهره به ناو هواپیمابر نیمیتز در دریای عمان منتقل شدند. طبق نقشه می‌بایست هواپیماها به همراه ۸ فروند بالگرد در صحرای طیس فرود می‌آمدند و سپس بالگردها کماندوها را به اطراف تهران منتقل می‌کردند تا از آنجا با کامیون‌ها و خودروهایی که عمال داخلی و نفوذی آمریکا از قبل آماده کرده بودند، به اطراف جاسوس‌خانه انتقال یابند؛ اما یکی از بالگردها پس از ورود به حریم ایران دچار نقص فنی شد و سرنشینان آن با بالگرد دیگری خود را به ناو نیمیتز رساندند. بدین ترتیب شش هواپیما و شش بالگرد در صحرای طیس فرود آمدند؛ یکی دیگر از بالگردها در حال سوخت‌گیری جهت انجام مرحله بعد عملیات، دچار نقص فنی شد و با به هم خوردن برنامه‌ها، کارتر دستور توقف این عملیات را که عملیات «پنجه عقاب» نام گرفته بود صادر کرد؛ اما هنگامی که نظامیان آمریکایی قصد بازگشت داشتند، توفان شن برخاست و یک هواپیما و یک بالگرد با هم برخورد کردند و هر دو آتش گرفتند و ۸ تن از نظامیان آمریکایی در آتش سوختند.

از عوامل مؤثر دیگر که سبب گسترش بحران در سطح بین‌المللی شد، بحث شکایت آمریکا از ایران در سازمان ملل بود. شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۴۵۷ به تاریخ سیزدهم آذرماه ۱۳۵۸ یک ماه پس از تصرف سفارت آمریکا با اشاره به وضعیت بحرانی‌ای که در روابط ایران و آمریکا به وجود آمده بود اعلام می‌کند این بحران امنیت جهانی را مورد مخاطره قرار داده است. این قطعنامه تأکید کرد که طرفین بر پایه مفاد کنوانسیون «وین» به دیپلمات‌ها احترام بگذارند. در این قطعنامه از ایران خواسته شد برای حل مسائل باقیمانده با آمریکا، بین خودشان به صورت صلح‌آمیز اقدامات لازم را انجام دهند. قطعنامه در نهایت از ایران می‌خواهد گروگان‌ها را آزاد کند.

۳-۳. پیامدهای بحران

۳-۳-۱. پیامدهای سیاسی تسخیر سفارت آمریکا

۳-۳-۱-۱. مراجعه به سازمان ملل متحد

یکی از نخستین اقدامات دولت آمریکا مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل بود. دولت آمریکا از این طریق می‌خواست بر فشار سیاسی-اقتصادی و حقوقی خود بر ایران بیفزاید و ایران را در جامعه بین‌الملل منزوی کند، آنان را متقاعد سازد که در صورت تداوم گروگان‌گیری و نقض حقوق بین‌الملل، بهای سنگینی خواهند پرداخت (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲، ص. ۷۳).

با سماجت آمریکا در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۹، در شورای امنیت سازمان ملل جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل و تصمیم‌گیری به جلسه دهم آذرماه ۱۳۵۸ موکول شد و از دولت ایران و آمریکا جهت شرکت در این جلسه دعوت به عمل آمد. امام از آنجا که می‌دانست شورای امنیت، علیه ایران رأی خواهد داد، اجازه نداد در این جلسه شرکت کنند. سرانجام شورای امنیت به‌اتفاق آرا دولت ایران و عمل گروگان‌گیری را محکوم کرد (سالینجر، ۱۳۶۲، صص. ۱۰۷-۱۰۶).

۳-۳-۱-۲. استعفای دولت موقت

دولت آمریکا امیدوار بود با دخالت دولت بازرگان هرچه سریع‌تر مسئله خاتمه پیدا کند. بروس لینکن که به وزارت خارجه ایران پناهنده شده بود، با وزیر خارجه آمریکا تماس گرفت و گفت یزدی وزیر خارجه ایران تلاش زیادی برای حل مسئله کرده ولی کسی حرف او را گوش نمی‌کند. با بهشتی هم که از نزدیکان امام است تماس گرفت؛ ولی او هم از اشغال‌کنندگان سفارت پشتیبانی کرد (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲، ص. ۶۹).

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سفارت آمریکا اشغال شد و در پی حمایت‌های رهبر انقلاب از دانشجویان، دولت بازرگان دو روز بعد استعفا داد. بازرگان می‌نویسد: «دولت موقت که از نظر مسئولیت سیاسی و اداری کشور و حفظ حقوق نمایندگان و اتباع خارجی طبق دستورات بین‌المللی نمی‌توانست مغایر این اقدام (اشغال سفارت آمریکا) نباشد؛ چون قبلاً تصمیم به استعفا گرفته بود، هیچ‌گونه اعلامیه و اقدامی در این زمینه ابراز نکرد» (بازرگان، ۱۳۶۳، ص. ۹۴). البته شعارهای تند علیه «آمریکا» و «دولت موقت» و «سازش کاری» هم دیگر مجالی برای ادامه کار دولت نگذاشته بود. آخرین استعفای بازرگان روز قبل از اشغال سفارت به تصویب هیأت دولت رسیده بود. وی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۸/۱۴ استعفای خود را تقدیم امام کرد (باقی، ۱۳۷۶، ص. ۳۴).

۳-۱-۳. کودتای نوژه

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز پنج ماه قبل از آغاز تجاوز عراق درباره طرح‌های مرحله‌به‌مرحله دولت آمریکا و در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ از بررسی سه طرح نظامی بسیار مهم دولت آمریکا پس از شکست عملیات طبس خبر می‌داد. این طرح‌ها شامل پیاده کردن نیروی نظامی در شهرهای محل نگهداری گروگان‌ها، مین‌گذاری در میدان‌های صدور نفت، یا بمباران پالایشگاه‌های ایران بود. وی در ادامه می‌نویسد: «واشنگتن امیدوار است که تحریم اقتصادی و سیاسی ایران بتواند در سایه تیرگی روابط ایران و عراق تأثیر بیشتری داشته باشد.» او می‌افزاید: «عده‌ای معتقدند چشم‌انداز جنگ با کشوری نیرومند (عراق) شاید ایران را وادار سازد در سیاست خود تجدیدنظر کند» (محمدی، ۱۳۷۲، ص. ۹).

آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه به شدت امید بسته بود و آن را ضربه نهایی بر نظام جمهوری اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظامی صدام می‌دانست؛ چراکه این کودتا از لحاظ تجهیزات نظامی، افراد برجسته، برنامه‌ریزی دقیق و... در تاریخ کودتاهای جهان بی‌سابقه بود و از سوی دیگر، دقت طراحی آن در حدی بود که سیا موفقیت آن را یقینی می‌دانست آن‌گونه که حتی اعلامیه پیروزی و جایگاه شریعتمداری به‌عنوان رهبر مذهبی کودتا مشخص شده بود (حبیبی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۷).

۳-۱-۴. جنگ عراق علیه ایران

طولانی شدن ماجرای اشغال لانه جاسوسی به رژیم جاه‌طلب عراق فرصت داد تا توافق‌های لازم را برای تحمیل جنگ علیه ایران به عمل آورد. هرچند به خاطر وضعیت ایران در سال ۱۳۵۹ و فقدان نیروهای مسلح، تصور دشمن، ختم جنگ در چند هفته با دستاورد تجزیه جنوب ایران و سقوط حکومت ایران یا تسلیم آن بود و دفاع قهرمانانه مردم ایران این تصورات را نقش بر آب کرد. در هر صورت می‌توان جنگ ایران و عراق را یکی از پیامدهای اشغال لانه جاسوسی برشمرد که آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده کردند. برژینسکی در کتاب قدرت و اصول اخلاقی می‌نویسد: درحالی‌که کریستوفر و کاتلر به تلاش خود برای رسیدن به نوعی توافق ادامه می‌دادند، توصیه من برای تسریع در حل مسئله این بود که به ایرانی‌ها هشدار دهیم اگر حاضر به مصالحه نشوند، عراق را در جنگ با آن‌ها تقویت خواهیم کرد. براون نظر مرا در یکی از جلساتی که در ماه سپتامبر داشتیم تأیید کرد (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۹۹ - ۹۸).

۳-۱-۵. قطع روابط ایران و آمریکا

ونس با تأکید کارتر در اوج ناامیدی و پریشانی، دستور قطع روابط آمریکا با ایران را صادر

می‌کند. در جلسه رسمی ۷ آوریل ۱۹۸۰ (۱۸ فروردین ۱۳۵۹) شورای امنیت ملی آمریکا، بیانیه‌ای به شرح زیر به پیشنهاد ونس وزیر امور خارجه علیه ایران به تصویب رسید: «ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع شده می‌داند و از این رو تمامی دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران باید هرچه زودتر خاک آمریکا را ترک کنند. صادرات تمامی کالاها از ایالات متحده به ایران ممنوع است، به جز مواد غذایی و دارویی آن هم در کمترین سطح ممکن. وزارت دارایی آمریکا در نظر دارد تحقیقی را در خصوص دارایی‌های ایران در ایالات متحده انجام دهد و همچنین به بررسی دعاوی ایالات متحده علیه ایران بپردازد. تمامی روایدهایی که برای اتباع ایرانی صادر شده است، باطل خواهد شد و از این پس تنها با توجه به مسائل بشردوستانه و منافع ملی آمریکا برای اتباع، روایید ورود به آمریکا صادر خواهد شد.»

به هر ترتیب مقرر شد بیانیه ونس بدون تغییر تسلیم کاردار ایران در آمریکا شود. از این رو در همان روز، کاردار ایران به همراه معاونش به وزارت خارجه فراخوانده شدند تا ضمن تقدیم این بیانیه به آن‌ها، از آنان خواسته شود به همراه سایر دیپلمات‌های ایرانی، از آمریکا خارج شوند (سیک، ۱۳۸۴، صص ۴۰۰ - ۳۹۸).

این اقدام آمریکا هشدار می‌بود برای مسئولان ایرانی که احتمال حمله نظامی آمریکا را تقویت شده ارزیابی کنند و این درس تاریخی برای آیندگان هم باقی بماند. امام خمینی با اتخاذ موضعی خردمندانه پیام بسیار جالبی در این مورد صادر کرد:

ملت شریف ایران، خیر قطع رابطه بین ایران و آمریکا را دریافت کردم و اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت بپاخاسته برای رهایی از جنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالمخوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم؛ چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید آمریکا از ایران است... من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال آمریکا، رابطه ملت مظلوم با جهان خواران است. شما ای ملت عزیز! که برای رضای خداوند متعال، با بانگ «الله اکبر» بر دشمنان خود چیره شدید و آزادی و استقلال را به دست آوردید، با اتکال به خداوند تعالی و حفظ وحدت کلمه مهیا باشید برای رودرویی دشمنان اسلام و دشمنان مستضعفین؛ شما به خواست خدای تعالی پیروز هستید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۲۳۳).

۶-۱-۳. تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش

تسخیر سفارت آمریکا در ایران حامل پیام سیاسی مهمی به نیروهای آزاده و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به‌خصوص کشورهای اسلامی بود. این حادثه مؤلفه‌هایی مانند شجاعت، ایستادگی و مقاومت را در جنبش‌های آزادی‌بخش در مواجهه با استکبار جهانی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا تقویت کرد.

۲-۳-۳. پیامدهای فرهنگی تسخیر سفارت آمریکا

۱-۲-۳-۳. ایجاد فرهنگ استقلال از قدرت‌های خارجی و استحکام نیروهای انقلابی

تسخیر سفارت آمریکا سبب کنار زدن نیروهای غیر معتقد به خط واقعی امام و کاهش واقعی جایگاه نیروهای سیاسی مارکسیست و لیبرال شد. علت این امر موضع‌گیری‌ها و عملکرد این گروه‌ها در جریان اشغال سفارت آمریکا و همچنین افشاگری دانشجویان پیرو خط امام در مورد سوابق برخی از آنان بود.

پیامد طبیعی این مسئله تثبیت خط امام و افزایش تسلط نیروهای انقلابی حامی ایشان بر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه بود. این نیروها که با هدف پیروزی انقلاب اسلامی فداکاری زیادی کرده بودند، به سبب نداشتن تشکیلات و تجربه سیاسی، برخلاف گروه‌های غیرمذهبی و التقاطی در ابتدای پیروزی انقلاب قادر به تأثیرگذاری به‌اندازه وزن خود در جامعه نبودند و همین اقدام سبب شد طرف مقابل نبض سیاست را در جامعه آن روز ایران تحت کنترل بگیرد (شاه‌علی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۱)؛ ولی تسخیر سفارت آمریکا به سرعت شرایط را تغییر داد و این بار نیروهای التقاطی و غیرمذهبی بودند که در موضع ضعف قرار گرفتند و تسلط خود را در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب از دست دادند. ابدی در این مورد می‌گوید:

۱۸۹

دقیقاً در عرض یک هفته همه‌چیز برای ما عوض شد و بسیاری از نیروهای غیرمذهبی سراسیمه شدند... حتی بی‌میل نبودند که آن‌ها هم در این حرکت شریک شوند. از نخستین پیامد این حرکت آن بود که به گروه‌های مسلمان اعتماد به نفس داد و اوضاع به ضرر نیروهای التقاطی و غیرمذهبی پیش رفت تا انقلاب فرهنگی که کاملاً از دانشگاه رخت بر بستند (جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۰۸/۱۳).

۲-۲-۳. تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری

تقویت همگرایی و وحدت ملی از آثار بسیار مهم تسخیر سفارت آمریکا بود که آینده نظام جمهوری اسلامی را در درازمدت بیمه کرد. مردم با حضور در برابر لانه جاسوسی و تظاهرات

بر ضد سیاست‌های آمریکا از قیدوبند همه نارضایتی‌هایی که در اثر عملکرد محافظه‌کارانه دولت موقت برای آن‌ها به وجود آمده بود، رها شدند و با تجدید میثاق با آرمان‌های امام و انقلاب اسلامی دوباره حول محور ایشان و مقابله با استکبار جهانی متحد و یکپارچه شدند. به عبارت دیگر، تسخیر لانه جاسوسی زمینه همبستگی همه نیروهای انقلابی نسبت به اندیشه‌های امام را برای مواجهه با خطرات بزرگ‌تر و مبارزه‌ای وسیع‌تر با همه توان مهیا ساخت و ایالات متحده را دوباره به‌عنوان دشمن شماره یک کشور در اذهان مردم انقلابی زنده کرد (شاه‌علی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۳).

همچنین یکی دیگر از آثار مهم تسخیر سفارت آمریکا از بین بردن روحیه خودباختگی در میان ملت ایران بود. خودباختگی برخی گروه‌های سیاسی در برابر قدرت مرعوب‌کننده غرب و به‌خصوص آمریکا برطرف نشده بود و تأثیرات آن در جامعه ایران کماکان ادامه داشت. با تسخیر سفارت آمریکا ایده شکست‌ناپذیری آمریکا نه تنها در ایران، بلکه در کل جهان از بین رفت. آمریکا که هیچ‌گاه در دوره حیات خود با چنین شرایطی مواجه نشده بود، ضربه شدیدی را از مردم مسلمان و انقلابی ایران دریافت کرد و این مهم موجب رشد سریع و جهش سیاسی قابل توجه ایران شد (شاه‌علی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۵).

۳-۲-۳-۳. تحقیر آمریکا

از دیگر پیامدهای تسخیر سفارت آمریکا، تحقیر آمریکا بود. تحقیر واژه‌ای است که مقامات کاخ سفید در کتاب‌هایی که درباره گروگان‌گیری نوشته‌اند، بارها به کار بسته‌اند. هامیلتون جردن در خاطرات خود می‌نویسد مردم آمریکا در مقابل سفارت ایران در آمریکا به شدت علیه ایران شعار می‌دادند و می‌گفتند: «ما نمی‌توانیم این تحقیر را تحمل کنیم». آن‌ها همچنین به کرات از آشفته‌گی‌ها و مناقشات و درگیری‌های اعضای کابینه آمریکا و عجز و ناتوانی آمریکا و نداشتن امکانات برخورد با مسئله گروگان‌گیری و عصبانیت‌ها و دنباله‌روی از ایران و... سخن گفتند (شیرودی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۲).

۳-۲-۳-۴. تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش

از مهم‌ترین پیامدهای تسخیر سفارت آمریکا، تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش بود. آمریکا در نخستین واکنش، تصمیم به تحریم اقتصادی ایران گرفت و دارایی‌های ایران را در بانک‌های آمریکایی و بانک‌های خارجی مستقر در آمریکا ضبط کرد. از سوی دیگر، به‌رحال تسخیر سفارت آمریکا اگرچه از سوی دولت‌های وابسته به شرق و غرب محکوم شد، از طرف ملت‌های

محروم و نهضت‌های آزادی‌بخش جهان به‌شدت مورد حمایت قرار گرفت و سبب گسترش حرکت‌های ضداستعماری در نظام بین‌الملل و به‌خصوص در خاورمیانه شد.

۳-۳-۳. پیامدهای اقتصادی تسخیر سفارت آمریکا

۱-۳-۳-۳. ایجاد تضيیقات اقتصادی علیه ایران

سایروس ونس در ۱۰ آذر ۱۳۵۸ به اروپا (لندن، پاریس و رم) سفر کرد تا نظر آن‌ها را برای اعمال فشارهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران جلب کند. این کشورها که در مورد تحقیر آمریکا به‌وسیله ایران با آن‌ها همدردی کردند و خود نیز در وضع ناراحت‌کننده‌ای قرار داشتند در عین‌نیاز به نفت خاورمیانه نمی‌خواستند سیاست خود را جدا از ایالات متحده یا در مقابل آن یا بی‌اعتنا نشان دهند. در آبان ۱۳۵۸ کارتر دستور قطع خرید نفت ایران را اعلام کرد؛ اگرچه این تصمیم در آمریکا موجب کمبود نفت و بنزین و گرانی و نارضایتی مردم می‌شد. کارتر از کشورهای غربی نیز خواست از خرید نفت اضافی ایران خودداری کنند و انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا پاسخ مثبت دادند. البته برای آمریکا چشم‌پوشی از نفت ایران که فقط ۳ درصد مصرف آن‌ها را تشکیل می‌داد آسان بود؛ زیرا صادرات سالانه ۲۵ میلیون تن نفت ایران به ایالات متحده نسبت به ۴۰۲ میلیون تن کل واردات نفتی آمریکا ناچیز بود در صورتی که همین مقدار نفت برای اروپایی‌ها ارزشمند بود (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۵۰ - ۴۹).

۲-۳-۳-۳. بلوکه کردن اموال ایران

پس از قطع خرید نفت ایران، دولت ایران به این نتیجه رسید که دارایی‌های خود را از بانک‌های آمریکایی خارج کند که در روز ۲۳ آبان ۱۳۵۸ کارتر دستور مسدود شدن سپرده‌های ایران در تمام بانک‌های آمریکایی و شعب خارجی آن را صادر کرد و کشورهای اروپایی نیز از آن حمایت کردند. دارایی‌های ایران در بانک‌های مختلف ایالات متحده در امانت بود. دیوان عالی انگلیس نیز دارایی‌های ایران را در این کشور توقیف کرد. در فرانسه نیز سپرده‌های پولی دچار اشکال شد. دولت ایران متقابلاً در ۲۳ نوامبر اعلام کرد که از بازپرداخت وام‌های خارجی خود سرباز می‌زند و شکایتی برای بازگرداندن ۵/۵۶ میلیارد دلار اموالی را که محمدرضا پهلوی از ایران خارج کرده بود، به دادگاه عالی نیویورک تسلیم کرد. سپرده‌های بلوکه‌شده ایران بعدها به‌عنوان ابزاری در معامله برای آزادی گروگان‌ها و بیانیه الجزایر مورد استفاده قرار گرفت به‌ویژه که ایران هرچند در این زمان هنوز حدود ده میلیارد ذخیره ارزی داشت؛ ولی به سبب آنکه در شرایط جنگی بود به این پول نیازمند بود (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۵۱ - ۵۰).

۳-۴. مدیریت بحران

۳-۴-۱. مداخله و اقدام در بحران

۳-۴-۱-۱. موضع‌گیری امام خمینی و ایجاد موج اطمینان و هیجان

امام در اولین سخنرانی خود در تاریخ ۱۴ آبان ۵۸، درست یک روز پس از تسخیر سفارت، به وسیله دانشجویان پیرو خط امام، ضمن تأیید کنش دانشجویان، آمریکا را «شیطان بزرگ» نامید و به سفارت آمریکا لقب «لانه جاسوسی» داد. در شرایطی که در اثر تنش‌های شدید داخلی نوعی غفلت عمومی نسبت به خطرات اصلی تهدیدکننده انقلاب ایجاد شد، ایشان ضمن حمایت از دانشجویان، دلایل مهم حمایت خود را نیز بیان کرد:

در حال حاضر خیانت‌های زیرزمینی است. یک توطئه‌های زیرزمینی است که توطئه‌های زیرزمینی در همین سفارتخانه‌ها که هست، دارد ایجاد می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها برای شیطان بزرگ آمریکاست و نمی‌شود بنشینید و آن‌ها توطئه‌شان را انجام دهند. یک وقت ما بفهمیم که از بین رفت یک مملکتی و با حرف‌های نامربوط دموکراسی و امثال ذلک ما را اغفال کنند که مملکت دموکراسی است و هر کس حق دارد در اینجا بماند، هر کس حق دارد توطئه بکند... و شاه را که دارایی‌های ما را برده است و در بانک‌ها مقادیر بسیار زیادی که ما حالا شاید بعضی از آن‌ها را مطلع باشیم در بانک‌ها سپرده است و همه مال ملت است. تا این را برنگرداند و اگر این را برنگرداند ما طور دیگری با آن‌ها رفتار می‌کنیم با انگلستان هم طور دیگر رفتار می‌کنیم. نه خیر، این طور نیست. مسئله باز انقلاب است. یک انقلاب زیادتر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این خائن را او (آمریکا) برگرداند و آن خائن، بختیار خائن را هم او برگرداند... آن مرکزی که جوان‌های ما رفتند آن‌طور که اطلاع دادند مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکایی‌ها توقع دارند که شاه را ببرند و در آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه ایجاد کنند و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند (باقی، ۱۳۷۶، صص. ۳۲ - ۳۱).

۳-۴-۱-۲. پذیرش استعفا دولت موقت از سوی امام خمینی

تسخیر سفارت آمریکا در واقع ضربه نهایی به دولت مهدی بازرگان بود. به بیان دیگر، در نتیجه این اقدام انقلابی، قدرت متزلزل دولت موقت رو به افول گذاشت و همگام با آن، اساس همکاری‌های استراتژیک ایران و ایالات متحده فروپاشید. بازرگان که چند بار در گذشته اعلام استعفا کرده بود؛ ولی امام آن را نپذیرفته بود، این بار دو روز پس از حادثه تسخیر

سفارت آمریکا، از سمت نخست‌وزیری استعفا کرد که بی‌درنگ، امام آن را پذیرفت.

۳-۱-۴-۳. بیانیه الجزایر

نخستین مجلس شورای اسلامی در ۷ خرداد ۱۳۵۹ افتتاح شده بود و امام در پیامی به مناسبت حج در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۵۹، حل مسئله گروگان‌ها را به مجلس واگذار کرد. مسئله گروگان‌ها به کانون یکی از داغ‌ترین بحث‌ها و مذاکرات مجلس تبدیل شد. پس از تصویب مجلس و ارجاع کار به دولت جمهوری اسلامی، دولت الجزایر به‌عنوان میانجی دولت‌های ایران و آمریکا از سوی دو کشور پذیرفته شد و متعاقباً مذاکرات پرفرازونشیب و فشرده‌ای در الجزیره و تهران به جریان افتاد و بیانیه‌ای به توافق دو کشور ایران و آمریکا رسید و انتشار یافت. قرار شد هم‌زمان با اجرای بیانیه، گروگان‌ها آزاد شوند.

در این مذاکرات، شرایط چهارگانه مصوب مجلس شورای اسلامی (که برگرفته از پیام ۱۱ شهریور امام خمینی بود) مبنای گفتگو قرار گرفت و برای اجرای هر شرط راهکارهایی به توافق طرفین رسید. این شرایط عبارت بودند از: آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ایران، لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران، تضمین عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران. نتیجه مذاکرات در واقع تنظیم دو بیانیه و چند سند تعهد بود که در مجموع به بیانیه‌های الجزایر معروف شد. علت انتخاب کلمه بیانیه بجای قرارداد یا توافقنامه نیز این بود که ایران حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره با آمریکا نبود و دولت الجزایر به‌عنوان واسطه، آنچه را طی مذاکرات طولانی میان ایران و آمریکا از طریق الجزایر، به توافق طرفین رسیده بود، به‌صورت بیانیه منتشر کرد و ایران و آمریکا به‌طور جداگانه، بیانیه‌های مزبور را با امضای خود تأیید و به دولت الجزایر تسلیم کردند.

۱۹۳

۳-۱-۴-۴. پایان بحران

با طولانی شدن فرایند ماجرای تسخیر سفارت، ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسید که راه‌حل این مسئله فقط به دست امام انجام می‌شود و کارتر تصمیم گرفت نماینده ویژه‌ای را نزد ایشان بفرستد. پس از مباحثاتی، پیشنهاد شد رمزی کلارک دادستان پیشین آمریکا که در پاریس نیز به دیدار امام رفته بود به همراه ویلیام میلر از کارکنان سابق وزارت خارجه که چندی در تهران خدمت کرده بود و می‌توانست به زبان فارسی صحبت کند، به‌عنوان فرستاده ویژه کارتر عازم تهران شوند. کارتر علی‌رغم انتقاداتی که به کلارک داشت، به گمان اینکه وی می‌تواند فرد مورد اعتماد رهبران ایران باشد، او را مأمور کرد که روز ۱۵ آبان ۱۳۵۸ با یک هواپیمای

نظامی عازم تهران شود. روز ۱۶ آبان رادیو تهران با قطع برنامه‌های خود اعلام کرد که امام طی بیانیه‌ای گفتند که هیچ کس حق مذاکره با آمریکا را ندارد. روزنامه‌های پنج‌شنبه ۱۷ آبان با تیتراژ درشت نوشتند: «امام: نه» و «هیچ کس حق ندارد با آمریکا مذاکره کند» خبر را منعکس کردند. روزنامه اطلاعات متن پیام امام را این گونه شرح کرده است:

گویا فرستاده ویژه کارتر در راه ایران هستند و قصد دارند به شهر قم آمده و با این جانب ملاقات نمایند. به همین خاطر متذکر شوم دولت آمریکا که با نگهداری شاه اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از سوی دیگر آن‌طور که گفته شده است، سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، در نتیجه ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه امکان‌پذیر نیست و همچنین اعضای شورای انقلاب تحت هیچ شرایطی نباید با آنان ملاقات نمایند. هیچ کدام از مقامات مسئول حق ملاقات با آمریکایی‌ها را ندارند و در صورتی که چنانچه آمریکا محمدرضا پهلوی این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز است (اطلاعات، ۱۳۵۹).

۵-۳. تجربه اندوزی از بحران

از جمله تجربه اندوزی‌های که می‌شود در نظر گرفت، تکیه نکردن امام به سایر قدرت‌ها برای مبارزه علیه دشمن خارجی است درسی که امام برای همه پویندگان راه حقیقت به ارمغان گذاشت، این بود که نباید برای مقابله با دشمن به سایر قدرت‌ها اتکا کرد؛ چراکه تجربه تاریخی نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ، هر زمان که منافعشان اقتضا کرده است، به راحتی توافق‌های خود را با دیگران نادیده می‌گیرند. این واقعیتی است که به‌طور مکرر در تاریخ ایران و جهان ثابت شده است. امام با استفاده از پشتیبانی مردم و توکل بر خدا توانست توان لازم برای تحمل سختی‌های مبارزه علیه نظام استکباری را در میان مردم به وجود آورد.

از دیگر موارد تجربه اندوزی این بحران آن بود که در آن زمان ایالات متحده آمریکا به عنوان ابرقدرت نظامی و لجستیک دنیا شناخته می‌شد. پس از این بحران هر لحظه انتظار می‌رفت که آمریکا علیه ایران اقدام نظامی انجام دهد؛ ولی امام علی‌رغم همه کاستی‌های نظامی هیچ گونه واهمه‌ای از بابت حمله علیه ایران نداشت؛ زیرا مهم‌ترین عامل اطمینان خاطر ایشان، ایمان به خدا و وجود نیروهای مخلص انقلابی بود.

از موارد دیگر تجربه‌اندوزی، اصل قرار دادن مصالح نظام برای اتخاذ تصمیم است؛ خط قرمز امام خمینی در این ماجرا، مصالح نظام جمهوری اسلامی بود و به هیچ وجه تمایلات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را ملاک عمل قرار نداد و در هر شرایطی اصل را بر تأمین منافع نظام قرار داد و در برابر هر موضع دیگری اولویت برای امام در این جریان حفظ نظام و تأمین منافع نظام اسلامی در کشور بود. در همان حال از ایجاد تعارض بین منافع ملی و مصالح نظام اجتناب می‌کرد. از موارد دیگر تجربه‌اندوزی، محور قرار دادن مجلس شورای اسلامی برای تعیین تکلیف نهایی است؛ درس بزرگ دیگر امام، حل و فصل نهایی ماجرا به دست مجلس شورای اسلامی بود تا آن‌ها مسئولیت تاریخی پایان ماجرا را بر عهده بگیرند؛ چراکه از همان ابتدا هم حرکت دانشجویان با انجام تظاهرات گسترده مورد تأیید مردم قرار گرفته بود. نکته ظریف در این ماجرا تعیین اصول چهارگانه توافقی نهایی است که امام به‌عنوان رهنمود در اختیار مجلس قرار داد تا نمایندگان مجلس درباره ترتیبات اجرایی و چگونگی شرایط پایانی، تصمیم نهایی را اتخاذ کنند (بهشتی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۹۰).

نتیجه‌گیری

در این مقاله سؤال اصلی آن بود که مدیریت انقلابی امام در بحران تسخیر سفارت آمریکا ایران چه بود. برای این بررسی از روش تحلیل اسنادی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تسخیر سفارت آمریکا دارای زمینه‌ها و علل مختلفی است. برای زمینه‌ها و علل مواردی همچون تشدید اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران، استفاده از سفارتخانه برای مقاصد جاسوسی، تلاش سفارتخانه برای جذب نخبگان و دولتمردان، پناه دادن به شاه مخلوع، سیاست‌های میانه‌روانه دولت بازرگان در جو انقلابی اوایل انقلاب توضیح داده شد. فرایند بحران به دو دسته پیدایش و گسترش بحران تقسیم می‌شود. در پیدایش چگونگی اشغال سفارت آمریکا اهداف و انگیزه گروه‌های مارکسیستی، سازمان مجاهدین خلق و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بیان شد و در گسترش بحران چگونگی روند نگهداری از گروگان‌ها، ماجرای طبس و مذاکرات آمریکا برای برگرداندن گروگان‌ها توضیح داده شد.

در قسمت پیامدهای بحران، ابتدا به پیامدهای سیاسی آن پرداخته شد: ۱. مراجعه آمریکا به سازمان ملل متحد؛ بدین معنا که دولت آمریکا می‌خواست بر فشار سیاسی-اقتصادی و حقوقی خود بر ایران بیفزاید و ایران را در جامعه بین‌الملل منزوی کند؛ ۲. کودتای نوژه؛ در خصوص این ماجرا توضیح داده شد که آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه به شدت امید

بسته بود و آن را ضربه نهایی بر نظام جمهوری اسلامی می‌پنداشت؛ ۳. جنگ عراق علیه ایران؛ آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان اهرم فشار علیه ایران استفاده کردند؛ ۴. استعفای دولت موقت و قطع روابط ایران و آمریکا نیز از دیگر پیامدهای سیاسی بود که توضیح داده شد. پیامدهای فرهنگی عبارتند از:

۱. ایجاد فرهنگ استقلال از قدرت‌های خارجی و استحکام نیروهای انقلابی؛ در توضیح این پیامد اذعان شد که تصرف لائنه جاسوسی موجب کنار زدن نیروهای غیر معتقد به خط واقعی امام و تضعیف جدی جایگاه نیروهای سیاسی مارکسیست و لیبرال شد. نتیجه طبیعی این امر تثبیت خط امام و افزایش تسلط نیروهای انقلابی حامی ایشان بر فرایندهای سیاسی و اجتماعی جامعه بود.

۲. تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری به این معنا که تسخیر سفارت سابق آمریکا زمینه اتحاد و انسجام همه نیروهای متعهد و مؤمن به دیدگاه‌های امام را برای مقابله با تهدیدی بزرگ‌تر و مبارزه‌ای وسیع‌تر با همه توان فراهم ساخت. در پیامدهای اقتصادی هم ایجاد تضییقات اقتصادی علیه ایران و بلوکه کردن اموال ایران ذکر و توضیح داده شد. در مورد بلوکه کردن اموال توضیح داده شد که کارتر دستور مسدود شدن دارایی‌های ایران در کلیه بانک‌های آمریکایی و شعب خارجی آن را صادر کرد. مدیریت بحران شامل موضع‌گیری امام و ایجاد موج اطمینان در مردم بود. در این زمینه هم امام ضمن تأیید اقدام دانشجویان، آمریکا را «شیطان بزرگ» نامید و به سفارت آمریکا لقب «لائنه جاسوسی» داد و به سرانجام رسیدن ماجرای تسخیر سفارت آمریکا را شرح داد.

در نهایت تجربه اندوزی از بحران شامل تکیه نکردن امام به سایر قدرت‌ها برای مبارزه علیه دشمن خارجی؛ چراکه تجربه تاریخی نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ هر زمان که منافعشان اقتضا کند به راحتی توافق‌های خود را با دیگران نادیده می‌گیرند. اصل قرار دادن مصالح نظام برای اتخاذ تصمیم بدین معنا که امام به هیچ‌وجه تمایلات گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را ملاک عمل قرار نداد و در هر شرایطی اصل را بر تأمین منافع نظام قرار داد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- الفت پور، علی (۱۳۸۹). *چهل تدبیر، مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات پرستا، چاپ شانزدهم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۲۲ جلدی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). *انقلاب در دو حرکت*. تهران: بنیاد فنی مهندسی مهدی بازرگان.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۳). *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران*. تهران: نشر تفکر.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲). *بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها*. ترجمه میر فردین قریشی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهشتی‌پور، حسن (۱۳۸۹). نقش امام خمینی در مدیریت بحران گروگان‌گیری در لانه جاسوسی آمریکا. *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ۷(۳۰)، ۹۳-۱۱.
<https://mtq.ir/temp/519f167ab40813e81c34da514fc8d672.pdf>
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). *مدیریت بحران؛ نقد بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران*. تهران: فرهنگ گفتمان. چاپ اول.
- حبیبی، حمید (۱۳۸۲). *گروگان‌گیری و آغاز جنگ ایران و عراق*. قم: نشر معارف، چاپ اول.
- حسین‌زاده، ابوالحسن (۱۳۸۷). *الگوی مدیریت بحران سیاسی در سیره امام خمینی (بررسی موردی تسخیر لانه جاسوسی)*. *فصلنامه دین و سیاست*، ۵(۱۸-۱۷)، ۱۵۱-۱۷۱.
https://raj.smc.ac.ir/article_2713_1eb32d8fcd745b3268d2c8adb15b2360.pdf
- درویشی سه‌تانی، فرهاد (۱۳۸۹). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جنگ ایران و عراق*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات جنگ، چاپ ششم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فاضلی، سامان (۱۴۰۲). *بازنمایی یادمان تسخیر سفارت در سیاست خاطره ایران در برابر آمریکا*. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۲(۱)، ۱۵۷-۱۸۸.
<https://doi.org/10.22067/irlip.2023.73149.1173>
- رضایی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *مدیریت بحران*. تهران: نشر یادآوران. چاپ اول.
- *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۱۳/۸/۱۳۷۷.
- *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۵۹، شماره ۱۵۹۹۷.
- سالیانجر، پیر (۱۳۶۲). *گروگان‌گیری در ایران و مذاکرات محرمانه تهران*. ترجمه جعفر ثقة‌الاسلامی. تهران: نشر نوین. چاپ اول.

- سعیدی، لیلا (۱۳۸۹). مدیریت بحران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیک، گری (۱۳۸۴). همه چیز فرومی ریزد. ترجمه علی بختیاری زاده. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شاه علی، احمد رضا (۱۳۹۱). تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان های سیاسی داخل کشور. پژوهش های سیاسی جهان اسلام، ۲(۳)، ۱۴۳ - ۱۷۱.
https://priw.ir/browse.php?a_code=A-10-1-75&slc_lang=fa&sid=1
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶). تسخیر لانه جاسوسی آمریکا: علل، روند و پیامدها. فصلنامه پیام، ۸۵، ۱۳۳-۱۲۱.
<http://ensani.ir/fa/article/223199>
- طاهری شمیرانی، صفت الله (۱۳۸۹). سازمان ملل و تسخیر سفارت آمریکا. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۴(۲)، ۵۴۵ - ۵۹۶.
http://fp.ipisjournals.ir/article_9509.html
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۲). علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۰(۰)، ۲۷۱-۲۴۹.
https://jflps.ut.ac.ir/article_15165.html
- مهدی نیا، جعفر (۱۳۸۳). معمای اشغال سفارت آمریکا. تهران: امید فردا، چاپ اول.
- نصیری حامد، رضا (۱۳۸۹). مدیریت بحران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ونس، سایروس و برژینسکی (۱۳۶۲). توطئه در ایران. تهران: انتشارات هفته، چاپ اول.